

دختر داشتن عیب نیست!

آنچه که ذیلاً از نظر خوانندگان محترم میگذرد فراهانی از نامه مفصلی است که بانوی مسلمان و خردمندی که از مزایای تعلیمات اسلام بهره مند شده و به عظمت قوانین و اهمیت دستورات آن پی برده است به یکی از بستگان خود که از داشتن «دختر» ناراحت بوده و گاهی دختران خود را مورد سرزنش قرار میداده ، نوشته است .
و چون این بحث برای عموم خوانندگان محترم ماقابل استفاده است برای درج در مجله ارسال داشته اند ما هم باتشکر از ایشان بدرج آن مبادرت میکنیم .

آقای محترم ! ... حیف نیست مردی چون شما که خود را وارد و آشنا با آداب و احکام اسلام میدانید بجای اینکه نمونه و سرمشقی در خانه و خانواده خود برای حفظ احترام و حقوق زن باشد ، همان حقوقی که آئین مقدس اسلام برای زن قائل شده و بادت کریم و قدرتمند پیغمبر اکرم کسب گردیده ، علم مخالفت بر افراشته و با تحقیر «دختر» و اظهار نارضائی از وجود و تولد او خود را بدرجه يك عرب صحرائین قبل از اسلام تنزل دهد و افکار خود را هم سطح مردمان جاهل چندین قرن گذشته بنماید ؟

باز گناه آنها آسانتر قابل بخشش است ، زیرا آنها در زمان جاهلیت بدون داشتن رهبر و پیشوای دینی زندگی تاریکی را میگذرانند ، آری فضای زندگی آنها از ظلمت جهل تاریک بود و ننگ گمراهی آنها را بیدبختی میکشاند . اگر مردان جامعه ای حقوق زنان خود را درک نکرده و بان احترام نگذارند ، یا کوتاه فکری را بجائی برسانند که فکر کنند پیوند حیات انسانی را بدلیل زن بودن میتوان برید و واقعاً از انسانیت بدور بوده ، زندگی آلوده بگناهی دارند که آنها را قابل ترحم میکند ، و محتاج هدایت و رحمت الهی هستند !

در چنان زمانی و در میان چنان مردانی نور پیامبر اسلام (ص) بر تاریکی های افکار منحرف آن جامعه تأیید و از پر تو ابدی این نور ازلی دلهای سیاه و خالی از عاطفه آنها بشعله محبت گرم و روشن شد و تعالیم مقدس مکتب بزرگ اسلام و کوششهای پیغمبر اکرم (ص) ثمر بخشید و آنها سر از خواب گران جهل برداشته ، فروغ دانش و بینش جامعه ظلمت زده و جان تاریک آنها را روشن کرد ، با همه اینها هنوز نام آنها در سینه تاریخ با خط سیاه ثبت است و یاد آنها با نفرت در دلهای زنده میشود .

ولی وای بر شما که پس از قرن ها ، پس از روشنی ها ، پس از اینهمه ترقی فکری و اینهمه مجاهدت که در راه شناساندن دین اسلام و قوانین مقدس آن شده است ، تازه اندیشه ها و افکار خود را بسبب آن زمان پرورده و حرفهائی میزنید که گذشته از عقب ماندگی بوی ناسپاسی در برابر کرامت و نعمت الهی از آن بمشام میرسد . زیرا زمانی که نوزادی « سالم » چشم بد دنیا گشود و مادر نیز بسلامتی طفل خود را بد دنیا آورد نخستین شکرانه ما بدر گاه الهی باید همین امر مهم یعنی **نعمت سلامتی مادر و فرزند** باشد نه پسر بودن یا دختر بودن نوزاد .

زیرا پسر بودن یا دختر بودن يك طفل طبق مشیت الهی و در قدرت خدای بزرگ است و از دست بشر ناتوان در این باره کاری بر نمیآید این ناسپاسی است که هدیه الهی را قدر ندانیم و یکی را « خوب » و دیگری را « بد » انگاریم در حالیکه خالق هر چه خلق کند خوب است و این ما هستیم که با ایجاد محیط های آلوده و افکار غلط خوبها را در افرادی محدود می کنیم .

مخلوقات خدا همه خوبند ، شاهکارهای خلقت همه قابل تحسین و احترام و شایسته محبت هستند .

اگر « چشمی » اینهمه زیبایی و خوبی را که دست توانای آفرینش میآفریند ندید گناه « نایبائی » اوست و گرنه در صحنه زندگی آنچه صانع بوجود میآورد همه و همه خوب است . باید چشم بصیرت داشته باشیم و بکوشیم تا عقل بیدار و احساس انسانی در ما بخواب نرود ، تا بتوانیم پدیده های دلپذیر الهی را هر چه بهتر و بیشتر ببینیم و قدر و موهبتهای پروردگار را دانسته و شکر گزار و ستاینده قدرت قادر توانا باشیم .

اصولاً اولاد اگر خوب تربیت شود و بپاکی و خوبی زندگی کند موجب افتخار و سرافرازی دنیا و آخرت پدر و مادر خود خواهد بود و هیچ فرق نمیکنند که پسر باشد ، یا دختر ، بلکه مهم اینست که خوب باشد پاکیزه خوی و پاکیزه دامن باشد ، باتقوی و پایمان باشد ، امین و پرهیز کار باشد .

مگر فراموش کرده اید که پروردگار توانا وسیله پیامبران گرامی خود این اصول را به بشرها آموخته و شناسانده و خصوصاً از تعلیمات رسول اکرم است که از جانب خداوند بایشان وحی گردیده که : گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیز کارترین شماست ولی سخنی از دختر بودن یا پسر بودن ، سیاه بودن یا سفید بودن ، زشت بودن یا زیبا بودن بمیان نیامده است . اینست درس انسانی که در «مکتب اسلام» داده میشود .

* * *

شما دل آرزومند و لبریز از امید دخترتان را بانیش زبان مجروح کرده اید . شما او را آزرده خاطر و ملول و از زندگی دلسرد نمودید ولی او با آنکه دختر است و بجرم دختر بودن مورد بی مهری شما قرار میگیرد باز هم عاطفه دارد . احساس دارد . احترام پدر را واجب میدانند و لب با اعتراض نمیگشاید ولی در نگاه اودقت کنید . بچشمهای او بنگرید سایه غم را در این چشمها و در این نگاه خواهید دید .

او هم پایه برادرش مدارج تحصیلی را طی میکند . دختری شایسته احترام و عقیف است . مایه افتخار شماست پدری که چنین دختری دارد باید وجود زن را از نعمتهای بزرگ حیات بشری بداند و بدین نعمت خدا را شکر کند . تا چند می خواهید با خنجر زبان ، دل کوچک او را بشکنید و بیازارید ؟ تا کی می خواهید او را گاه و بیگاه بزبانهای گوناگون تحقیر کنید ؟ بترسید از آن روزی که خدای نا کرده پسر شما . همین پسری که بوجود او می آید و غرور را در شما باین پایه پرورش داده بروی شما بايستد . هنگامیکه بارزندگی دوش شما را خم کرده و حوادث گوناگون پیشانی شما را پرچین ساخته اودستگیر و یاورشما نباشد یا خدای نا کرده در این اجتماع آلوده بفساد براه ناصوابی کشیده شود . کفار ناسپاسی گاه چنین است و تا دیر نشده جبران این ناسپاسی را بکنید و بدرگاه الهی توبه کرده و دختران خود را دوست بدارید و احترام کنید زیرا جوامع اسلامی بوجود زنان خوب افتخار دارند و نبی اکرم دست دختر گرامی خود را بوسیدند تا این درس تا ابد برای شما مردان باقی بماند و آنرا سرمشق قرار داده از آن حکمت زندگی بیاموزید .

شما و مردانی چون شما با این توهینها و تحقیرها باعث شدید روح زن از این حقارتها آزرده شده و بمرور زمان و طی سالها گرفتار عقده های روحی شوند و گول تبلیغات مسموم عده ای از نویسندگان غرب زده را بخورند و در نتیجه مدپرستیها ، تجدد طلبیها ، بندوباریها و یا بزبان دیگر يك حالت

عصیان زدگی در روح عده‌ای از زنان پدید آمد و آنها را تا با نجا کشید که پرده‌های عفت و تقوی را دریده در باده نوشی‌ها و شب زنده داریها با مردان بمسابقه برخاستند و استعداد خدادادی خود را در این راه ناصواب بکار برده و در مقابل مردان بخیال خود صفا آرائی کردند. خواهید گفت چرا در راه اعمال نیکو این رقابتها بوجود نیامد جواب شما اینست که طرف مقابل این دسته از بانوان مردانی خود پرست و خود فروش بودند نه آنسائنهائی شریف و پاکدامن و غم‌ما هم از همین است. گناه این انحراف بگردن کیست؟ گناه لغزش این زنان را چه کسی بگردن میگیرد؟ این جوانی است که شما باید بدهید. بعقل خود مراجعه کنید و عادلانه قضاوت نهائید و پاسخ بگوئید.

اگر شما حقی را که دین مبین اسلام بزن اعطاء فرموده از او نمیگرفتید شاید زنان اینطور عاصی نمیشدند و آماده انحراف نمیگردیدند. درست است که هنوز خوشبختانه زنان عقیف و پایبند اصول دین نیز در مقابل چنان زنانی و - و دارند و کم نیز نیستند ولی اینها پرورده مردانی هستند که رفتار انسانی داشته و بحکم وظائف دینی خود بازن رفتاری متین و شایسته مقام زن را داشتند اگر چنین نبود طبقه نسوان قربانی جهالت مردان گمراه میشد و یکباره سقوط میکرد ولی خدا را شکر که طبقه ارجمند روحانی ما، آنهائی که دل و جان را پاک کرده و افکار خود را بنور احکام دین منور ساخته و در اندیشه‌های خود از دستورهای الهی الهام گرفته و پیروی میکنند و عمر خود را وقف رهبری و هدایت خواهران و برادران دینی ساخته اند هنوز خیلی هستند و از برکت وجود آنها زنان تعلیم می‌گیرند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بدترین پدران

امام باقر فرمود:

شر الالباء من دعاهن الی الافراط

بدترین پدران کسانی هستند که در مهر و محبت و نیکی

بفرزندان زیاده روی کنند و علاقه پدری مانع از تربیت آنها گردد.